



Critical Discourse Analysis of Ahlam Nasr's Poems using Laclau and Mouffe's Theory



Doi:10.22067/jallv13.i2.2104-1037



Ahmad Omidvar¹

Assistant Professor in Arabic Language and Literature, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran

Received: 14 April 2021

Accepted: 31 August 2021

Abstract

Critical discourse analysis, by involving factors such as ideology and power, has a better linguistic capability than other methods. Laclau and Mouffe's theory is suitable for explaining social and political phenomena due to the introduction of critical discourse analysis to the world of politics and society. The main purpose of this study was to analyze the critical discourse of Ahlam Nasr's poems as a poet of "Islamic state of Iraq and the Levant" (ISIL) using Laclau and Mouffe's theory. The importance of the present study is the need to recognize the ideas of ISIL propagandists to counter their actions in the community. The findings showed that the central signifier of this discourse is the formation of the Islamic Caliphate and jihad, migration, conquest of the world and Sharia are detailed around it. Based on the empty signifier of the early centuries of Islam, Ahlam Nasr has proposed the central signifier of the formation of the caliphate. The floating sign in his poems is an example of the twelve caliphs of Quraysh who introduce him to Abu Bakr al-Baghdadi by using the title of "Al-Husseini". The central symbol and discourse are highlighted in these poems, as well as the concept of security in the government of Bashar al-Assad and nationalist symbols such as language and race. Ahlam Nasr, by comparing "Abu Bakr Baghdadi" to "Ibrahim" (AS) and ISIS to the companions of the Prophet (PBUH) and associating the battle of "Qadisiyah" and the defeat of the Iranians, has metaphorized the discourse of his poems and thus a bright future free of problems. And thus promises a good future, free of current problems, for the people of ISIL-dominated areas. The result showed that the spirit of Salafism and hostility dominates the discourse of ISIL, which is reflected in the poems of Ahlam Nasr and the actions of ISIL.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Laclau and Mouffe, ISIL, Ahlam Nasr.

¹. Corresponding author. Email:ahmad60omidvar@gmail.com

زبان و ادبیات عربی، دوره سیزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۵)، تابستان ۱۴۰۰، صص: ۱۰۳-۷۸

تحلیل گفتمان انتقادی اشعار احلام نصر بر اساس نظریه «لاکلا و موفه»



(پژوهشی)



احمد امیدوار (استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، نویسنده مسئول)^۱

Doi:10.22067/jallv13.i2. 2104-1037

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی با دخالت دادن عواملی همچون ایدئولوژی و قدرت، قابلیت زبان‌شناختی بهتری نسبت به سایر روش‌های تحلیل گفتمان در تفسیر متون دارد، همچنین نظریه «لاکلا و موفه» به سبب وارد کردن تحلیل گفتمان انتقادی به عالم سیاست و اجتماع برای شناخت و تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی مناسب است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی اشعار احلام نصر به‌عنوان شاعر داعش بر اساس مفاهیم نظریه «لاکلا و موفه» است که عبارت‌اند از: دال مرکزی، وقته‌ها، دال شناور، دال خالی، غیریت‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و استعاره‌سازی. اهمیت پژوهش حاضر، ضرورت شناخت اندیشه‌های مبلغان داعش برای مقابله با شیوه کنش آن‌ها در عرصه اجتماع است، به‌ویژه این‌که گروه‌های تکفیری در سالیان اخیر در منطقه غرب آسیا گسترش یافته و فصل جدیدی از مسائل امنیتی را رقم زده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دال مرکزی این گفتمان، تشکیل خلافت اسلامی است و وقته‌های جهاد، هجرت، تسخیر دنیا و شریعت، حول آن مفصل‌بندی شده است. احلام نصر بر اساس دال خالی قرون اولیه اسلام، دال مرکزی تشکیل خلافت را مطرح کرده است. دال شناور در اشعار وی، مصداق خلفای دوازده‌گانه قریشی است که با به‌کاربردن لقب «الحسینی» برای «ابوبکر بغدادی» وی را از مدلول‌های آن معرفی می‌کند. دال مرکزی و وقته‌های گفتمان در این اشعار، برجسته شده، همچنین مفهوم امنیت در حکومت «بشار اسد» و نمادهای ناسیونالیستی از قبیل زبان و نژاد به حاشیه رانده شده است. احلام نصر با تشبیه «ابوبکر بغدادی» به حضرت «ابراهیم» (ع) و داعشیان به صحابه پیامبر (ص) و تداعی نبرد «قادسیه» و شکست ایرانیان، گفتمان اشعارش را استعاره‌سازی کرده است و بدین‌وسیله آینده‌ای درخشان و عاری از مشکلات فعلی را برای مردم مناطق تحت سلطه داعش ترسیم می‌کند. نتیجه این‌که روح سلفی‌گری و خصومت بر گفتمان داعش غلبه دارد که بازتاب آن در اشعار احلام نصر و عملکرد آن‌ها ملاحظه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، لاکلا و موفه، داعش، احلام نصر.

۱. مقدمه

تروریسم سلفی، یکبارہ پدید نیامده بلکه یک جریان گفتمانی است که به تدریج گسترده تر و کامل تر شده است. خوارج را می توان اولین مروّجان اندیشه افراط گرایانه در جهان اسلام دانست که ریشه پیدایش آن ها به زمان پیامبر (ص) بازمی گردد (مفتخری، ۱۳۸۵: ۲۷). آن ها نخستین گروهی در جامعه اسلامی بودند که با برداشت سطحی و ناقص از دین، خلیفه و پیروانش را به سبب پذیرش حکمیت در جنگ صفین و عدم توبه از این تصمیم تکفیر کردند و دست به شورش زدند. البته خود آن ها در تحمیل پذیرش حکمیت بر امام علی (ع) نقش فعالی داشتند هر چند بعدها از آن پشیمان شدند و توبه کردند. جریان تکفیری در عصر معاصر با اندیشه های «ابن تیمیه» در خصوص حرام دانستن زیارت قبور اولیا، شفاعت، توسل و... ادامه یافت. «محمد بن عبدالوهاب» در شبه جزیره عربستان و «شاه ولی الله دهلوی» در شبه قاره هند این اندیشه را گسترش دادند و دیگر جوامع هم جوار را تکفیر کرده، به مسائلی چون هجرت و جهاد پرداختند. پس از این مرحله برخی همچون «رشید رضا»، «حسن البنا» و «سید قطب» به گفتمان سازی در این خصوص پرداختند و مفاهیم گفتمانی تکفیر و جهاد را در این نوع تفکر نهادینه سازی کرده، جاهلیت مدرن را در مقابل جاهلیت سنتی قراردادند، بدین ترتیب سلفیت از حوزه مسائل اعتقادی و مذهبی به سمت تکفیر سیاسی و فرهنگی نیز سوق پیدا کرد.

یکی دیگر از افراد به نام «مودودی» با تأکید بر توحید، نظریه حکومت اسلامی یا خلافت همگانی را ترویج کرد و برخی همچون «عبدالسلام فرج» و «ابوبکر ناجی» به نگارش چشم انداز، استراتژی های پیش برنده و اموری همچون دشمن نزدیک و دور، مراتب جهاد، تکنیک های قتال در اسلام و سازماندهی نیروهای مسلمین و غیره پرداختند. در نهایت افرادی به این اندیشه ها و استراتژی ها جامه عمل پوشاندند و آن را به واقعیت عینی نزدیک تر کردند. این مرحله با تأسیس القاعده توسط «اسامه بن لادن» آغاز شد که عملیات انتحاری، شبکه سازی و سازماندهی از ویژگی های آن است. «ابومصعب الزرقاوی» نقطه عطف تغییر القاعده به سمت سلفیت داعشی است. وی توانست تشکیلات نظامی را به نام «توحید و جهاد» در عراق راه اندازی کند پس از او «ابوبکر بغدادی» مسئله خلافت اسلامی را رواج داد و با تصرف برخی سرزمین ها، زمینه را برای تشکیل «داعش» فراهم کرد. با بررسی اندیشه ها و شیوه کنش ورزی داعش، گفتمانی را می یابیم که به دنبال محقق کردن ایده های به دور مانده از قدرت و حیات سیاسی و اجتماعی است.

داعش علاوه بر اعمال خشونت بار، تبلیغات گسترده رسانه ای و مجازی را در پیش گرفته است. زنان داعشی در این حوزه نقش مهمی دارند و گردانی به نام «الخنساء» متشکل از زنان در شهر الرقه سوریه ایجاد کردند که در حوزه مسائل اجتماعی در مناطق تحت سلطه آن ها فعالیت می کند. از جمله این زنان دکتر «ایمان البغا» است که در سال ۲۰۱۴ میلادی بعد از کنار گذاشتن تدریس در دانشگاه الدمام عربستان سعودی به گردان «الخنساء» پیوست. دختر وی به نام احلام نصر نیز در زمینه نویسندگی و سرایندگی برای گروه داعش فعالیت می کند. وی به دلیل سرودن اشعاری در تمجید دولت ابوبکر بغدادی، در میان داعش به شاعر دولت اسلامی شناخته شده است. سایت های مربوط به داعش اشعار وی را منتشر کردند تا

جایی که شاعر اول آن‌ها شد. احلام نصر که از فرماندهان جنگ تبلیغاتی داعش به شمار می‌رود در سال ۲۰۱۴ میلادی، اولین دیوان شعری خویش به نام «أوار الحق» را منتشر کرد. از جمله تفریحات عناصر داعش علاوه بر تماشای فیلم، قصه‌گویی، ورزش و غیره، خواندن اشعار احلام نصر است که در آن به افراطی‌گری، تروریسم و تجلیل از خشونت می‌پردازد. این اشعار ضمن تقویت روحیه جهادی عناصر داعش، گامی در جهت تبلیغ عقاید این گروه و بیانگر گفتمان آن‌ها است. پژوهشگران به تحلیل گفتمان داعش بر اساس سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و مجلات داعش پرداخته‌اند ولی از جنبه متون شعری این گروه غفلت کرده‌اند، حال آنکه سرودن اشعار و انتشار فایل صوتی و تصویری آن در بستر فضای مجازی نقش قابل توجهی در پیوستن افراد به این گروه داشته است؛ لذا در این پژوهش به تحلیل گفتمان شعری این گروه پرداخته شده است.

در میان نظریه‌پردازان گفتمان، نظریه «لاکلا و موفه» در تفسیر و تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی جایگاه مهمی دارد؛ چرا که این دو دانشمند بهتر از دیگران توانسته‌اند نظریه‌ای را که ریشه در زبان‌شناسی دارد به عرصه اجتماع و سیاست بکشانند. آن‌ها با ارائه صورت‌بندی نظام‌مند و روشمند از نظریه گفتمان، مدل مناسبی را برای تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی ارائه کرده‌اند (کسرایبی و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۳۹) همچنین نظریه ایشان، مفاهیم و مؤلفه‌های بیشتری نسبت به سایر نظریات از جمله «نورمن فرکلاف» دارد و گفتمان‌ها را از جهات مفاهیم مختلف بررسی می‌کند. در حقیقت تحلیل گفتمان انتقادی مورد نظر «لاکلا و موفه» به بررسی نقش زبان در ساختار قدرت می‌پردازد؛ چرا که احتمال دارد گفتمان یک گروه تبدیل به ایدئولوژی حاکم شود. گفتمان از نظر این دو دانشمند یک تمامیت منظم و محصول مفصل‌بندی و ارتباط دال‌ها و مدلول‌ها است. اصلی‌ترین مفاهیم این نظریه را همین دال‌ها و ارتباط میان آن‌ها تشکیل می‌دهد؛ لذا در این پژوهش بنیادی-ترین محورها، دال‌ها و مدلول‌های مورد نظر «لاکلا و موفه» از قبیل دال مرکزی، وقته، دال شناور و... و نحوه ارتباط و مفصل‌بندی میان آن‌ها است و اشعار احلام نصر به‌عنوان شاعر داعش و نماینده تفکر آن‌ها در متون ادبی بر اساس آن‌ها تحلیل می‌شود.

۲.۱. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی در خصوص شعر داعش چه در ایران و چه خارج از آن انجام نشده است. وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌هایی که گفتمان داعش را بررسی کرده‌اند این است که جستار حاضر، متنی را بررسی می‌کند که بیشتر مجال تجلی احساس و عواطف است تا اندیشه و تفکر و به سخن دیگر به بررسی گفتمان آن‌ها بر اساس عواطف و احساساتی می‌پردازد که در شعر آن‌ها منعکس شده است حال آنکه سایر پژوهش‌ها، گفتمان داعش را بر اساس متونی از قبیل مجلات تحلیل کرده‌اند که بیشتر مجال اندیشه است. همچنین این پژوهش در بررسی شعر داعش، مفاهیم بیشتری از نظریه «لاکلا و موفه» را نسبت به دیگر پژوهش‌ها به کار برده است. این پژوهش‌ها شامل موارد ذیل است:

۱- مقاله «بازنمایی و تحلیل گفتمان انتقادی- لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی» نوشته ایمان عرفان‌منش و سهیلا صادقی فسایی، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال هفدهم، ۱۳۹۵ ش، صفحات ۳۵ - ۵۱ در این مقاله الگوی خانواده از منظر گفتمان داعش بر اساس روش تحلیل گفتمانی لاکانی در سه سطح تحلیل توصیفی، تفسیری و تبیینی بازنمایی و تحلیل شده است.

۲- مقاله «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغات داعش: مورد مطالعه مجله دابق»، نوشته عباس اسدی و مصطفی مجیدی، فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۷۶، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۷ تا ۲۴. این مقاله درصدد کشف و معرفی گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش و بازتاب آن در نشریه داعشی «دابق» بوده است و عنصرخصومت را از ویژگی‌های بارز نظام معنایی آن‌ها می‌داند.

۳. ۱. اهمیت پژوهش

۱- تحلیل گفتمان انتقادی اشعار این گروه می‌تواند در شناسایی دقیق‌تر عقاید آن‌ها کمک کند ۲- بررسی عملکرد و عقاید این گروه می‌تواند در نحوه مقابله فرهنگی و تقابل با آن‌ها موضع واقع‌بینانه‌تری را به کنش‌گران عرضه کند ۳- مقاله حاضر به بررسی حوزه‌ای از شیوه‌های تبلیغی و بیانی داعش می‌پردازد که تا کنون مغفول مانده است.

۴. ۱. پرسش‌های پژوهش

۱. گفتمان حاکم بر اشعار احلام نصر به عنوان متنی ادبی که مجال احساسات و عواطف است با گفتمان بیانیه‌ها و مجلات داعش به عنوان متون سیاسی یکسان است یا تفاوت دارد؟
۲. مفاهیم گفتمان اشعار احلام نصر بر اساس نظریه «لاکلا و موفه» چیست؟

۵. ۱. فرضیه‌های پژوهش

۱. متون ادبی نیز مانند متون سیاسی از جمله مجلات و بیانیه‌ها و غیره، بیانگر گفتمان گروه‌ها است؛ از این روی اشعار احلام نصر نیز بازگوکننده عقاید و گفتمان داعش به شمار می‌رود.
۲. گفتمان حاکم بر اشعار احلام نصر حول محور اصلی تشکیل خلافت اسلامی می‌چرخد و دال‌های شریعت، جهاد از مهم‌ترین مفاهیم آن است و خصومت با تمامی افراد و عقاید دیگر، ویژگی بارز این گفتمان است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۱. ۲. تحلیل گفتمان

ریشه نظریه تحلیل گفتمان انتقادی به دانش زبان‌شناسی برمی‌گردد هرچند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. مهم‌ترین تفاوت این است که در تحلیل‌های زبان‌شناسانه صرفاً عناصر دستوری و لغوی جملات مبنای تبیین معنا است حال آنکه در شیوه

تحلیل گفتمان انتقادی، عوامل برون متنی یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره در تبیین معنا به کار گرفته می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). از طرفی دیگر معنا در «زبان» تابع قواعد ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده ولی در «گفتمان» تابع سلاقی افراد است (سوسور، ۱۳۸۳: ۲۱) لذا زبان‌شناسی، معنایی را بررسی می‌کند که الزامی و جبری است ولی تحلیل گفتمان انتقادی در صدد کشف معنایی اختیاری و دل‌بخواهی است و همین مسئله نیز از وجوه مهم تفاوت زبان-شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی است. روش تحلیل گفتمان از زمان پیدایش در سال ۱۹۵۲ میلادی تا کنون سه نوع داشته است:

۱.۱.۲. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا

نخستین مرحله تحلیل گفتمان با ساخت‌گرایی آغاز شد. «زلیگ هریس» در سال ۱۹۵۲ میلادی بررسی واحدهای بزرگ‌تر از جمله را در کانون توجه قرارداد و آن را تحلیل گفتمان نامید درحالی‌که تا قبل از آن زمان، واحد تحلیل، «کلمه» بود (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۵) وی در این راستا بر رویکردی ساختارگرایانه در بررسی جملات تأکید کرد. در این نوع تحلیل گفتمان، تنها به واحدهای بزرگ‌تر از جمله فارغ از شرایط زمانی و مکانی متن توجه می‌شود (wodak, ۲۰۰۱: ۵)

۱.۱.۲. تحلیل گفتمان نقش‌گرا یا کارکردی

برخی از زبان‌شناسان در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی، مفهوم بافت را نیز در تحلیل گفتمان وارد کردند. مقصود از بافت، شرایط زمانی و مکانی است که زبان در آن به کار رفته است و اصطلاحاً بافت در محل نامیده می‌شود. این نوع تحلیل گفتمان دارای کاستی انحصار بافت به بافت حاضر در شرایط جمله است و از شرایط مهم‌تر و پنهان‌تر ورای جمله غافل است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۵).

۱.۱.۳. تحلیل گفتمان انتقادی

با توجه به کاستی تحلیل گفتمان نقش‌گرا، نوع سومی از تحلیل گفتمان مطرح شد که بر نقش قدرت و ایدئولوژی به‌مثابه شرایط فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمانی تأکید می‌کند. این نگرش در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی، جریان غالب رویکرد گفتمانی شد. «ون دایک»، «وداک»، «فرکلاف» و «فوکو» را می‌توان از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه زبان‌شناسی برشمرد (همان). در حقیقت تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی میان‌رشته‌ای برای مطالعه گفتمان است که بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتار تأکید می‌کند (شرشار ۲۰۰۶: ۲۳). این نوع تحلیل گفتمان، زبان را به‌مثابه مجرای برای انتقال یا تحمیل ارزش‌ها و ایدئولوژی گروهی از کنش‌گران اجتماعی به گروه‌های دیگر مطالعه می‌کند؛ چراکه کاربران زبان دائماً در تلاش هستند که گفتمان خود را مشروع و باورپذیر جلوه داده و مخاطب را قانع کنند که آن را به‌عنوان حقیقت بپذیرد (صفایی سنگسری، احمد پناه، ۱۳۹۸: ۹۴). یکی از انواع نظریه-های تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه «لاکلا و موفه» است.

۲.۲. نظریه تحلیل گفتمانی انتقادی «لاکلا و موفه»

نظریه «لاکلا و موفه» است به نام دو دانشمند مبدع آن نام‌گذاری شده است. «لاکلا و موفه» نظریه خویش را با جمع بین دو سنت نظری مارکسیسم و زبان‌شناسی و اعمال تغییراتی در آن به وجود آوردند. مارکسیسم، اندیشه اجتماعی و زبان-شناسی ساختارگرا نظریه معنایی موردنیاز آن را فراهم می‌کند (یورغنسن و فیلیس، ۲۰۱۹: ۵۴). آن‌ها با در هم آمیختن این دو دیدگاه، نظریه‌ای پساساختارگرایانه را ارائه کردند که مطابق آن، کل حوزه اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از فرآیندهای متفاوت است که در آن، معنا تولید می‌شود (همان). به عقیده «لاکلا و موفه» هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد و اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاصی قرار گیرند (تاجیک ۱۳۷۹: ۱۶).

آن‌ها گفتمان را از حوزه فرهنگ و فلسفه به حوزه سیاست و جامعه وارد کردند (حسینی زاده ۱۳۸۳: ۱۹۴). نظریه این دو دانشمند از قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار است (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۱). این قابلیت در سایه به‌کارگیری مفاهیمی چون مفصل‌بندی به‌دست آمده است. در این نظریه، گفتمان پیکره نظام‌مندی است که از مفصل‌بندی عناصر و مفاهیم مرتبط حاصل می‌شود و مجموعه‌ای از واژگان را در برمی‌گیرد که به‌گونه‌ای معنادار باهم مرتبط هستند.

طبق این نظریه هویت هر چیز صرفاً در شبکه هویت‌های دیگر که باهم مفصل‌بندی شده‌اند پدید می‌آید. هویت از این منظر ارتباطی است برای مثال چشم به‌طور مستقل و جدای از ارگانیزم بدن یک موجود زنده، هویتی چنان‌که ما اکنون از آن درک می‌کنیم ندارد و تنها یک گوی چربی بی‌ارزش است و همچنین ممکن است یک فعل، سخن، نماد یا غیره در دو گفتمان متفاوت، معنایی متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر داشته باشند، برای مثال می‌توان به کاربرد چاقو اشاره کرد که بسته به اینکه پزشک آن را به کار گیرد یا خلافکار بار معنایی متفاوت بلکه متضاد دارد (همان: ۳۴۲).

وجه تفاوت نظریه «لاکلا و موفه» با نظریات دیگر این است که تمایز گفتمانی و غیرگفتمانی را مردود می‌شمارد و بر گفتمانی بودن تمام حوزه‌های اجتماعی تأکید می‌کند؛ بنابراین تحلیل گفتمان «لاکلا و موفه» با مجموعه وسیعی از داده‌های زبانی و غیرزبانی به مثابه متن برخورد می‌کند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴). در ادامه مهم‌ترین مفاهیم این روش تحلیل گفتمان را معرفی می‌کنیم.

۳. مفاهیم نظریه تحلیل گفتمان «لاکلا و موفه»

۱.۳. دال و مدلول

دو مفهوم دال و مدلول در نظریه «لاکلا و موفه» نقش کلیدی دارند. دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهای انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص بر معنای خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت

دارد، مدلول نامیده می‌شود و در حقیقت، مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، دال مورد نظر برای ما معنا می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶). به‌عنوان مثال تکثر مطبوعات منتقد در یک جامعه دال و آزادی بیان مدلول آن است.

۳.۲. دال مرکزی

نشانه یا نشانه‌هایی است که سایر دال‌ها حول آن نظم می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و نیروی جاذبه این هسته سایر دال‌ها را به خود جذب می‌کند و سامان می‌دهد. به‌عبارتی دیگر مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل می‌گیرند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۰). به‌عنوان مثال دال مرکزی حکومت امام علی (ع)، عدالت است.

۳.۳. وقته

یکی از عناصر گفتمان، وقته است. وقته‌ها شامل موقعیت‌ها و عناصری هستند که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده و به هویت و معنایی دست‌یافته‌اند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). نقطه شکل‌گیری گفتمان‌ها از طریق ثبات نسبی وقته‌ها حول دال مرکزی است که معنای خود را از نوع رابطه با دال مرکزی کسب می‌کنند (یورغنسن و فیلیبس، ۲۰۱۹: ۶۲-۶۱). به‌عنوان مثال در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، دال‌های حفظ استقلال کشور، حمایت از مظلومان و مستضعفان، نفی سلطه‌پذیری و... به‌عنوان وقته حول دال مرکزی ولایت فقیه مفصل‌بندی شده‌اند (علی‌پوریان و نوری اصل، ۱۳۹۳: ۸۹).

۳.۴. دال شناور

دالی است که مدلول آن شناور (غیر ثابت) است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود به آن باهم رقابت می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). به سخن دیگر دالی است که هر گفتمان آن را بر اساس سلاقی خود تفسیر می‌کند و برداشت خاص خود را دارد. بنابراین افراد و گروه‌ها، معنا و مدلولی از این دال که متناسب فضای گفتمان آن‌ها است را برجسته می‌کنند و مدلول‌های دیگر را به حاشیه می‌رانند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). مثلاً دال نظارت، در ایران دارای دو مدلول است و گفتمان‌های مختلف تلاش دارند که مدلول مورد نظر خود را به آن انتساب دهند؛ لذا گفتمان اصول‌گرا مدلول نظارت استصوابی (نظارت از بالا به پایین) و گفتمان اصلاح‌طلب مدلول نظارت استعلامی (نظارت از پایین به بالا) را از آن برداشت می‌کنند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹).

۳.۵. دال خالی

دال خالی ارائه تصویری از شرایط ایده‌آل و مطلوب است. گفتمان‌ها تلاش دارند تا این وضعیت آرمانی را به بهترین وجه ممکن ارائه دهند. از آنجا دال خالی همواره نواقص را گوشزد می‌کند تولید آن، سبب پویایی جامعه و سیاست خواهد

شد (Laclau, ۱۹۹۴: ۴۹). به عنوان مثال در گفتمان دولت سازندگی، فقدان توسعه سیاسی دال خالی است که دولت اصلاحات آن را به عنوان دال مرکزی نظام معنایی خویش اعلام کرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹).

۶.۳. غیریت و ضدیت (تخاصم)

از جمله مفاهیم نظریه گفتمان «لاکلا و موفه» غیریت‌سازی و ضدیت است. گفتمان‌ها همواره اقدام به تولید غیر یا دشمن برای خود می‌کنند چرا که برای شکل‌گیری هویت و رسیدن به قدرت‌گریزی از آن نیست (هادیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۸). در حقیقت، اشیا ذات و هویت ثابتی ندارند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند هویت می‌یابند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۵) لذا گفتمان‌ها پیوسته برای هویت یافتن غیریت‌سازی می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶) به عنوان مثال مفهوم روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد از این روی هویت روز وابسته به شب است و برعکس.

۷.۳. برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی

این دو مفهوم راهکار حفظ و استمرار گفتمان است. گفتمان‌ها همواره تلاش دارند تا مفاهیم مورد نظر خود را برجسته و مهم کنند و مفاهیم گفتمان‌های رقیب را به حاشیه برانند و بی اهمیت جلوه دهند (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۸). مفهوم غیریت و تخصص در ذات خود با برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی همراه است (همان) زیرا در آن، تقابل مفاهیم گفتمانی رخ می‌دهد. گفتمان‌ها از شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی خود و به حاشیه‌رانی رقیب استفاده می‌کنند که دارای دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. حالت نرم‌افزاری در قالب زبان نمود پیدا می‌کند و بخش سخت‌افزاری به صورت‌های مختلفی چون توقیف، حبس، اعدام، ترور و تظاهرات خیابانی و مانند آن نمود می‌یابد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۱۳ - ۱۱۲).

۸.۳. اسطوره‌سازی - وجه استعاری گفتمان

گفتمان برای فراگیر شدن باید شکلی آرمانی و استعاری به خود بگیرد و خود را پاسخگوی همه نیازها و تقاضاهای موجود در جامعه نشان دهد. گفتمان همواره با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی همراه است؛ لذا تلاش دارد با توانمند نشان دادن خود در حل مشکل، از این شرایط برای هژمونیک کردن و ظهور و بروز خود بهره‌برد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) و بدین منظور شرایطی را توصیف می‌کند که در آن، دیگر خبری از مشکلات فعلی نیست. «لاکلا و موفه» این تصویر آرمان‌گرایانه را اسطوره «myth» می‌نامند (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۳) گفتمان برای تبدیل این وجه اسطوره‌ای به یک تصویر اجتماعی و در قالب یک فرهنگ عمومی از استعاره کمک می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۵) بدین ترتیب استعاره‌سازی رابطه واقعیت اجتماعی با اسطوره است.

۴. تحلیل اشعار احلام نصر بر اساس نظریه «لاکلا و موفه»

۱. زندگی‌نامه احلام نصر

احلام نصر، اهل سوریه و به شاعر دولت اسلامی مشهور است (Haykel; Creswell: ۲۰۱۹). کنیه وی، ام اسامه دمشقی است. در سال ۱۹۹۲ میلادی در دمشق به دنیا آمد و در اوایل دهه دوم زندگی، از سوریه به عربستان سعودی مهاجرت کرد و در مدرسه شهر «الخبر» به تحصیل پرداخت. هرچند برخی معتقدند که نام اصلی وی «شمیمه حداد» است که در سال ۲۰۱۱ میلادی با آغاز اعتراضات در سوریه از این کشور مهاجرت کرد (حمزه: ۲۰۱۸) ولی با بررسی گزارش سایت‌ها و اسم وی بر روی دیوان شعر، کتب و مقالاتش مشخص می‌شود که نام وی همان احلام نصر است. وی در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۱۴ میلادی یک روز پس از بازگشت به سوریه با یکی از فرماندهان داعش به نام «محمد محمود» با کنیه ابو اسامه القریب ازدواج کرد (همان).

احلام نصر از مبلغان مشهور داعش است و اشعاری را برای تشویق به عملیات نظامی سروده است (Easton: ۲۰۱۵). دیوان شعری وی به نام «أوار الحق» شامل ۱۰۷ قصیده است که در سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر شد. فعالیت احلام نصر به سرایندگی محدود نشده و کتابی با عنوان «الإرهاب، الحياة الحقيقية» نوشته است که در آن خواهان تربیت فرزندان بر اساس اعمال تروریستی است (حمزه: ۲۰۱۸).

به گفته «الیزابت کندال» پژوهشگر ارشد مطالعات عربی و اسلامی کالج پمبروک از دانشگاه آکسفورد اشعار احلام نصر خیره‌کننده و زیبا است و به شیوه کلاسیک شعر می‌سراید (همان). عمده مضامین اشعار او ستایش نیروهای شبه نظامی خلافت خودخوانده داعش و «ابوبکر بغدادی» است (همان). البته از لابلای این مضامین شعری می‌توان گفتمان داعش را شناسایی و بر اساس نظریه «لاکلا و موفه» تحلیل کرد؛ چراکه متون ادبی نیز همچون متون سیاسی دارای ساختارهای گفتمان مدار هستند و با مطالعه و تحلیل انتقادی آن‌ها افکار ایدئولوژیک نویسنده به دست می‌آید (زارع و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۸). در ادامه به معرفی عناصر این گفتمان می‌پردازیم.

۲. دال مرکزی شعر احلام نصر

دال مرکزی گفتمان شعری داعش، تشکیل خلافت اسلامی است. احلام نصر در مقدمه دیوان «أوار الحق» هدف خویش را آبادانی دژ خلافت اسلامی اعلام کرده است و می‌گوید: «همه امت اسلام نیازمند یاری خداوند هستند تا با تلاش متواضعانه خود در کنار رزمندگان، بسان خشتی برای برپایی و استحکام دژ خلافت راشد باشند» (النصر، ۲۰۱۴: ۱۳). وی در اشعارش نیز به مفهوم کانونی و محوری تشکیل خلافت اسلامی در گفتمان داعش تصریح دارد. به عنوان نمونه در قصیده‌ای با عنوان «هذی الخلافة سوف تعود» چنین می‌سراید:

فَهْدِي الْمَعَالِي تَرُومُ اللَّقَاءَ وَهَذِي الْخِلَافَةُ سَوْفَ تَعُودُ

لِتَغْمَرَ كُلَّ الْأَنَامِ بِنُورٍ وَتَحْكَمَ كُلَّ رُبُوعِ الْوُجُودِ

يُحَكِّمُ فِينَا الْكِتَابَ الْمَنِيرَ يَسُوسُ الْأَنَامَ بِعَدْلِ يَقْوَدُ

(ترجمه) «این بزرگی‌ها، خواهان دیدار هستند و این خلافت بازخواهد گشت، تا همه مردم را غرق نور کند و بر تمام سرزمین‌های هستی حکم براند، کتاب نورانی قرآن را بین ما حاکم کند و با عدل بر مردم حکومت کرده، آن‌ها را هدایت کند» (النصر، ۲۰۰۱۴: ۴۴).

وی در این اشعار، راه برون رفت از مشکلات دنیا را برپایی حکومت اسلامی بر مبنای خلافت می‌داند؛ لذا دال مرکزی گفتمان شعری داعش را تشکیل خلافت اسلامی قرار می‌دهد که بر اساس آیات قرآن کریم و عادلانه بر مردم حکومت می‌کند. این شیوه حکومت، خلافت اسلامی راستین نیست و ماهیت آن تروریستی است ولی از آنجایی که گفتمان، تابع سلاقی و ذوق افراد و گروه‌ها است و رابطه دال و مدلول در آن کاملاً اختیاری است این شیوه حکومت در گفتمان شعری داعش، مدلولی به عنوان خلافت دارد. در قصیده دیگری با عنوان «دولة اسلامی منصوره» چنین می‌گوید:

دولة إسلامي منصوره وستحکم کل المعموره
والله تعالی یحمیها یحفظها من کل خطوره
قد عانت أوطاني فسقا وتجرعت الناس السحقا
انظر للعالم وستلقى تحکیم الإسلام ضروره

(ترجمه) «دولت اسلام من پیروز است و بر همه سرزمین‌ها حکم خواهد راند. خداوند متعال آن را حمایت و از هر خطری حفظ می‌کند. سرزمینم از فسق رنج برده است و مردم [جام] نابودی را سرکشیده‌اند. به دنیا بنگر خواهی یافت که حاکم کردن اسلام ضرورت است» (همان: ۵۴).

از این ابیات مشخص می‌شود، احلام نصر نظام معنایی گفتمان شعری داعش را بر اساس کاستی‌های گفتمان‌های موجود حاکم بر دنیا بنا کرده است و برپایی خلافت اسلامی را راه حلی توانمند و کارآمد برای مشکلات مردم از جمله فسق، فجور و هلاکت می‌داند؛ لذا به زعم وی با دقت در دنیا مشخص می‌شود که حاکمیت اسلام یا همان خلافت، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. همه مفاهیم دیگر گفتمان شعری داعش حول همین دال مرکزی تشکیل حکومت و خلافت اسلامی معنا پیدا کرده و قرار می‌گیرند.

۳. ۴. وقته‌ها در شعر احلام نصر

مفاهیم جهاد، هجرت و نفیر، فتح و تسخیر دنیا و شریعت دال‌هایی هستند که به عنوان وقته، حول دال مرکزی تشکیل خلافت اسلامی مفصل‌بندی شده‌اند و گفتمان شعری داعش به آن‌ها ثبات نسبی معنایی داده است. در حقیقت این وقته‌ها راهکارهای تشکیل خلافت اسلامی هستند. در ادامه به بررسی این وقته‌ها در اشعار احلام نصر می‌پردازیم.

۴. ۳. ۱. جهاد

اعمال خشونت‌آمیز و به دور از منطق داعش در حقیقت نوعی از تروریسم است ولی در گفتمان شعری داعش مدلول دیگری به نام جهاد یافته است. جهاد یکی از مفاهیم پرتکرار گفتمان شعری داعش است، همچنین «ابوعمر البغدادی»، رهبر سابق داعش در بیانیه سال ۲۰۰۷ میلادی، عقاید این گروه را در نوزده بند ذکر کرده که مفهوم جهاد در آن بسیار تکرار شده است (پایگاه اطلاع رسانی امیر: ۱۳۹۷). جهادگرایی این گروه به عنوان یک رویکرد تهاجمی خشونت‌بار و صرفاً به معنای قتال است. احلام نصر در خصوص جهاد چنین سروده است:

لا عِيشَ إِلَّا بِالْجِهَادِ وَعِزَّةٌ إِنَّ الْجِهَادَ حَيَاتُنَا وَفَلَاحُنَا
وَهُوَ الَّذِي يَخْشَاهُ أَجْنَادُ الْعِدَا وَهُوَ الَّذِي رَسَمَ السَّعَادَةَ فِي الدُّنَا

(ترجمه) «هیچ زندگی و عزتی بدون جهاد وجود ندارد. همانا جهاد، زندگی و رستگاری ماست. این همان چیزی است که سپاه دشمنان از آن می‌ترسد و همان است که سعادت را در دنیا ترسیم کرده است». (النصر، ۱۶: ۲۰۱۴). احلام نصر به شیوه نفی و استثنا و با کاربرد لای نفی جنس، زندگی حقیقی و عزت را در جهاد محصور کرده و سایر روش‌ها را نفی می‌کند. وی با توجه به اختیاری بودن رابطه دال و مدلول در گفتمان، تلاش دارد به اعمال خشونت‌بار داعش صبغه دینی بدهد و آن را جهاد بنامد. وقته جهاد زمینه‌ساز تشکیل خلافت اسلامی به عنوان دال مرکزی گفتمان است. در قصیده دیگری با عنوان «أريد الجهاد» این‌گونه می‌سراید:

هَذَا الْجِهَادُ سَيُلْجِمُ ظِلْمًا يُنْجِي الْبَرَايَا وَيَمَحِقُ ذُلًّا
فُقِّمْتُ أَرِيدُ الْجِهَادَ الْعَظِيمَ لِأَهْرَمَ ظُلْمًا فَظِعْمًا أَلِيمًا

(ترجمه) «این جهاد به ظلم، لگام خواهد زد و مردم را نجات می‌دهد و خواری را نابود می‌کند؛ پس قیام کردم و خواهان جهاد عظیم هستم تا ستم و وحشتناک و دردناک را شکست دهم» (همان: ۴۰). طبق نص قرآن، جهادی که برای دعوت به سوی حق انجام می‌شود صرفاً جهاد مسلحانه نیست. آیه ۱۲۵ سوره نحل، شیوه دعوت به سوی خداوند از سوی پیامبر (ص) را حکمت، موعظه و جدال احسن برمی‌شمارد ولی در گفتمان داعش شعری داعش راه نجات مردم، تنها جهاد مسلحانه با رویکرد تهاجمی و خشونت‌بار است. الفاظ به کاررفته در ابیات مشخص می‌کند مراد وی از جهاد، اعمال مسلحانه و خشن است.

۴. ۳. ۲. هجرت و نفیر

یکی دیگر از وقته‌های گفتمان شعری داعش، هجرت و نفیر است. این گروه، افراد دیگر سرزمین‌ها را به هجرت دعوت می‌کند تا با مشارکت در جهاد زمینه تحقق خلافت اسلامی را فراهم کنند. این وقته در مجله داعش به نام «دابق» نیز از محورهای بارز است که در آن از همه افراد متخصص و تحصیل‌کرده که جهاد را به بهانه تحصیل و غیره به تاخیر انداخته‌اند

برای پیوستن به دستگاه خلافت دعوت می‌کند (Dabiq, issues ۳: ۲۶). همچنین رهبر داعش در بیانیه سال ۲۰۰۷ میلادی نیز مبارزان دیگر سرزمین‌ها را سرزنش کرده، آنها را نصیحت می‌کند که به دولت ایشان بپیوندند (پایگاه اطلاع رسانی امیر: ۱۳۹۷). احلام نصر در قصیده «ملحمة نضال مقدم» به این مفهوم پرداخته است و می‌گوید:

قَالُوا هِيَ دَوْلَةُ الْإِسْلَامِ وَدَعُوا الْكُلَّ إِلَى الْإِمْدَادِ
مَنْ نَفَرَ إِلَى أَرْضِ الشَّامِ بِالْعِزْمِ الثَّبَتِ الْمَقْدَامِ

(ترجمه) «گفتند که این دولت اسلام است و همگان را به کمک فراخواندند. کیست که با عزم، ثابت قدمی و شجاعت به شام هجرت کند؟» (النصر، ۲۰۱۴: ۹۶).

وی در این ابیات همه طرفداران داعش را برای هجرت به سرزمین شام دعوت می‌کند و با به کار بردن الفاظ «نَفَرَ» که دلالت بر هجرت دارد و «أَرْضِ الشَّامِ» که مقرر خلافت اسلامی است مفهوم هجرت را حول دال مرکزی مفصل‌بندی می‌کند. هدف از هجرت را در این ابیات، جهاد همراه با ثابت قدمی و شجاعت معرفی می‌کند. مفهوم هجرت بیانگر نگاه داعش در تکفیر همه کشورها است؛ زیرا معتقدند حدود شرعی در آنها رعایت نمی‌شود و هر شهروندی که به حاکمان و قوانین این کشورها رضایت دارد نیز کافر است و مسلمانان واقعی باید به مناطق تحت سلطه داعش هجرت کنند همان‌گونه که صحابه رسول الله (ص) برای نصرت دین اسلام هجرت کردند. در قصیده دیگری با عنوان «بَايَعْتُ مَنْ بِالدِّينِ كَانِ الصَّادِعَا» این‌گونه سروده است:

قَدْ شَادَ فِي الْإِسْلَامِ صَرْحًا عَالِيًا جَعَلَ الْأَمَانِي النَّوَاصِرَ وَاقِعًا
وَدَعَا جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ لِدَوْلَةٍ حَمَلَتْ لَهُمْ كَأْسَ الْمَكَارِمِ رَاتِعًا

(ترجمه) «در اسلام، قصری بلند برپاساخت و آرزوهای پطراروت را به واقعیت تبدیل کرد و همه مسلمانان را به دولتی فراخواند که برای ایشان جام لبریز از کرامت را آورد» (همان: ۱۰۴).

مقصود وی از قصر بلند، خلافت اسلامی است که در گفتمان شعری داعش راه برون رفت از مشکلات فعلی و تحقق اهداف است و مسلمانان باید به سوی این خلافت هجرت کنند؛ بدین ترتیب وقته هجرت حول دال مرکزی خلافت مفصل‌بندی شده و ثبات نسبی معنایی یافته است. همچنین در قصیده دیگری با عنوان «الهجرة والنفي» دولت اسلامی و زندگی امن و اسلامی در آن را توصیف کرده، با برشمردن مزایای این دولت به نوعی دیگران را برای هجرت به سرزمین‌های تحت سلطه خلافت دعوت می‌کند (همان: ۱۲۹).

۴. ۳. ۳. فتح و تسخیر دنیا

از جمله مفاهیم گفتمان شعری داعش این است که رهبر خود «ابوبکر بغدادی» را خلیفه و رهبر همه مسلمانان جهان می‌داند. آنها نام گروه خود را از دولت اسلامی عراق و شام به دولت اسلامی تغییر دادند که نشان می‌دهد هدف آنها

محدود به حکومت بر عراق و شام نیست و رویای تسلط بر قاره‌ها را در سر دارند. البته در این مسیر اولویت را به تسخیر یا به تعبیر ایشان آزادسازی شهرهای مسلمان‌نشین داده‌اند. این مسئله را در بیانیه خویش نیز منتشر کرده‌اند و معتقدند بعد از سقوط آندس، جهاد در راه خدا برای آزادی شهرهای مسلمان‌نشین بر تمامی افراد واجب عینی است (پایگاه اطلاع رسانی امیر: ۱۳۹۷). در مجله «دابق» نیز تصریح کرده‌اند که مسلمانان نباید دایره شمول دین را محدود به مرزهای ملی کنند (Dabiq, issues ۱۱: ۴۷) و بدین ترتیب سر جنگ با همه دنیا و تسخیر کشورها را دارند. این مسئله در گفتمان شعری آنها نیز منعکس شده است و احلام نصر در قصیده‌ای با عنوان «دولة اسلامی منصوره» این‌گونه می‌سراید:

دولة إسلامی منصوره وستحکم کل المعمره
انظر للعالم وستلقى تحکیم الإسلام ضرورة

(ترجمه) «دولت اسلام من پیروز خواهد شد و بر همه سرزمین‌ها حکم خواهد راند. به دنیا بنگر خواهی یافت که حاکم کردن اسلام، ضرورت است» (النصر، ۲۰۱۴: ۵۴).

از این ابیات مشخص می‌شود که هدف داعش تنها بر پایی خلافت اسلامی در منطقه عراق و شامات نیست بلکه گسترش سلطه و جغرافیای این خلافت را بر تمامی دنیا یک امر ضروری می‌دانند. نقشه جغرافیایی که داعش برای خلافت اسلامی طراحی کرده و نام‌های بخش‌های آن از جمله خراسان، اندلس و غیره نیز بیانگر چشم‌انداز گسترش مرزها است و از طرفی دیگر نشانه‌ای از گفتمان سلفی ایشان است زیرا اسامی تاریخی را برای آن مناطق برگزیده‌اند. وی در قصیده دیگری با عنوان «ومصر الیوم فی ثوب الحداد» کشور مصر را متعلق به گروه داعش می‌داند:

وَمَاذَا الْآنَ إِخْوَانِي؟ أَجِيبُوا فَمِصْرُنَا وَلَيْسَتْ لِأَعَادِي

(ترجمه) «ای برادرانم اکنون چه شده است؟ پاسخ دهید مصر از ماست و از دشمنان نیست» (همان: ۷۱). وی در این شعر به مفهوم گسترش جغرافیای مناطق تحت سلطه خلافت اسلامی پرداخته، مصر را نیز در زمره سرزمین‌هایی برمی‌شمارد که باید تحت حاکمیت خلافت اسلامی درآید. در قصیده دیگری با عنوان «عزّ الاسلام لقد عادا» این‌گونه می‌سراید:

وَسَنَحْكُمُ أَرْجَاءَ الدُّنْيَا بِالذِّينِ وَنَمْحُو الْأَحْقَادَا

(ترجمه) «بر همه دنیا به وسیله دین حکم خواهیم راند و کینه‌ها را محو می‌کنیم» (همان: ۱۱۹). در این شعر نیز بر مفهوم گسترش جغرافیای خلافت اسلامی تصریح می‌کند. فتح و تسخیر عالم به عنوان یک وقته، حول دال مرکزی خلافت مفصل‌بندی شده، ثبات معنایی می‌یابد؛ بدین شکل که حمله به دیگر کشورها، مفهوم گسترش خلافت اسلامی را دارد نه تهاجم و ستم.

۴.۳.۴. شریعت

از مفاهیم پرتکرار گفتمان داعش، شریعت اسلام است که در بیانیه‌های آن‌ها نیز دیده می‌شود. مرکز رسانه‌های داعش مجله دوره‌ای «دابق» را با تمرکز بر آن منتشر کرد و به این مسئله در خود مجله نیز تصریح شده است (۱، ۳، Dabiq, issues). مفهوم منهج، شریعت و اسلام در اشعار احلام نصر، کاربرد بسیاری دارد و یکی از وقته‌های گفتمان شعری داعش را تشکیل می‌دهد. وی در قصیده‌ای با عنوان «أعاظ بني الصليب بما جناه» به این مسئله پرداخته، می‌گوید:

هُوَ الْإِسْلَامُ يُعْطِي الرُّوحَ فِينَا قُوَى عَزِمَ لِنُحْسِنَ ذَا الصَّنِيعَا
فَإِسْلَامِي سَبِقَى لَوْ فَنِينَا كَمَثَلِ الْحِصْنِ إِذْ يَبْقَى مَنِيْعَا

(ترجمه): «این اسلام است که به نیروی عزم و اراده در میان ما جان می‌بخشد تا این دستاورد را نیکو سازیم. اسلام من باقی خواهد ماند حتی اگر ما نابود شویم مانند دژی که دست نیافتنی باقی می‌ماند» (النصر، ۲۰۱۴: ۴۹).

احلام نصر با توجه به اختیاری بودن رابطه دال و مدلول در گفتمان، فهم دیگران را از اسلام ناصحیح می‌انگارد و عقاید داعش را اسلام واقعی می‌داند. در حقیقت وقته‌های جهاد و هجرت به مثابه مهم‌ترین راهکار دینی در دسترس برای تحقق بخشیدن به دال مرکزی خلافت جهت اجرای شریعت است. وی در قصیده دیگری با عنوان «أم العقبانُ قدوتها عقاب؟» دین اسلام را مدح و به فداکاری در راه آن دعوت می‌کند:

بِأَنَّ الدِّينَ بَاقٍ لَوْ فَنِينَا هُوَ الْمَغْزَى الْعَظِيمُ هُوَ اللَّبَابُ
جَمَاعِنَا لَهُ خُلِقَتْ فِدَاءً نَفُوزٌ بِهِ إِذْ قَامَ الْحِسَابُ

(ترجمه) «دین باقی است حتی اگر ما نابود شویم و هدف عظیم و اصل است. سرهای ما برای فدا شدن در راه آن خلق شده است و در روز قیامت با آن رستگار می‌شویم» (همان: ۶۳).

وی در این اشعار روح خلافت داعش را اسلام معرفی می‌کند که عامل تقویت عزم و اراده آن‌هاست. در دیدگاه داعش خلافت، مجرای تحقق شریعت است به گونه‌ای که تحقق یکی فارغ از دیگری نامحتمل و ناممکن است. شریعت، بیانگر درونمایه این خلافت است که در این اشعار نیز بیان شده است.

۴.۴. دال شناور در شعر احلام نصر

پیامبر (ص) خلفای بعد از خود را در دوازده خلیفه منحصر کرده‌اند که همه آن‌ها را از قبیله قریش هستند. این حدیث با الفاظ مختلفی از جابر بن سمره از پیامبر (ص) در صحیح بخاری آمده است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۹: ۸۱). با استناد به این حدیث، داعشیان معتقدند که خلیفه باید قریشی باشد و در این راستا تلاش دارند تا به دال خلفای دوازده‌گانه‌ای قریشی معنا و مدلول متناسب گفتمان خود را بدهند و یکی از مصادیق آن را ابوبکر بغدادی معرفی کنند و از این طریق مشروعیت خلیفه خویش را افزایش دهند؛ لذا لقب «خلیفه ابوبکر الحسینی البغدادی» را برای رهبر گروه خود به کار برده‌اند

(۱، ۴۱، Dabiq, issues). لقب «الحسینی» یعنی وی از نسل امام حسین (ع) است. این مطلب بر قریشی بودن خلیفه داعش دلالت دارد؛ چرا که امام حسین (ع) از قبیله قریش بودند. بدین ترتیب مدلول خلفای دوازده‌گانه قریشی در گفتمان داعش، خلفای این گروه هستند. از طرفی دیگر شیعیان مدلول این حدیث را امام‌های دوازده‌گانه شیعه می‌دانند. بنابراین مفهوم خلفای دوازده‌گانه قریشی یک دال شناور است که گفتمان داعش و شیعه در مدلول آن با یکدیگر نزاع دارند و رقابت می‌کنند. احلام نصر معتقد است که خلفای مذکور که به‌زعم وی از داعش هستند، طبق وعده خداوند و پیامبر (ص) خلافت اسلامی را بازمی‌گردانند؛ لذا این‌گونه می‌سراید:

أَوْ لَيْسَ وَعْدُ إِلَهِنَا أَنْ الْخَلَافَةَ عَائِدَةٌ

(ترجمه) «آیا وعده خدایمان این نیست که خلافت برمی‌گردد؟» (نصر، ۲۰۱۴: ۱۰۳)

در قصیده دیگری ابوبکر بغدادی را با لقب «حسینی» توصیف کرده تا بیان کند، خلافت وی همان مدلول وعده پیامبر (ص) است:

شَيْخٌ حُسَيْنِيٌّ سَدَادٌ فِعْلُهُ الْقَوْلُ مِنْهُ لَقَدْ يَفُوقُ الْمَدَائِعَا

(ترجمه) «شیخ و خلیفه‌ای از نسل امام حسین (ع) که فعلش استوار است و سخن او بر توپخانه‌ها فایق خواهد آمد» (همان: ۱۰۴). از این اشعار مشخص می‌شود که گروه داعش به دال بازگشت خلافت اسلامی توسط افرادی از قبیله قریش باور دارد ولی مصداق و مدلول آن را نه ائمه دوازده‌گانه شیعه بلکه «ابوبکر بغدادی» و سایر خلفای داعش می‌داند و برای اثبات قریشی بودن خلیفه، لقب «حسینی» را بر او اطلاق می‌کند. بدین ترتیب این دال شناور نیز حول دال مرکزی خلافت، مفصل بندی شده است.

۵. ۴. دال خالی در شعر احلام نصر

گفتمان‌ها، مشکلات موجود در جوامع را ناشی از فقدان یک وضعیت و شرایط مطلوب می‌دانند که با محقق شدن آن، مشکلات فعلی از بین می‌رود. این وضعیت و شرایط غایب در نظریه «لاکلا و موفه» دال خالی نام دارد. دال خالی گفتمان شعری داعش شیوه حکومت قرون اولیه اسلام است. احلام نصر مشکلات کنونی دنیا را که به زعم وی به علت فقدان دال خالی گفتمان داعش به وجود آمده است چنین توصیف می‌کند:

كَمْ عَانَتِ الدُّنْيَا وَبَيْلَ عَذَابِهِمْ وَالظُّلْمُ شَرٌّ مَّا حَقَّ وَوَبَيْلُ

وَالْقَحْطُ صَالٍ بِأَرْضِنَا وَرُبُوعِنَا أَيْنَ الْجَمَالُ لِتَرْتَدِيهِ حُقُولُ؟

أَيْنَ النَّمَاءُ يَجُولُ فِي عَمْرَانَا؟ هَلْزِي بِإِلَادِي مَا السُّؤَالُ فُضُولُ

(ترجمه) «دنیای چه بسیار از عذاب سخت آنان رنج برد و ستم، شر کشنده و سختی است. قحطی بر زمین و خانه‌های ما هجوم آورد، زیبایی کجاست تا باغ‌ها آن را بر تن کنند؟ رشد و پیشرفت کجاست که در آبادانی ما جولان دهد؟ این سرزمین من است و پرشش فضولی نیست» (نصر، ۲۰۱۴: ۳۲).

وی مشکلات و کوتاهی‌های دنیا را ناشی از کوتاهی و قصور گفتمان‌های حاکم بر آن می‌داند و وضعیت آرمانی و مطلوب را در سایه تحقق خلافت اسلامی و بازگشتن به دوران طلایی صدر اسلام و خلفا معرفی می‌کند. مشکل حکومت‌های معاصر به زعم داعش، فقدان سبک خلافت‌های صدر اسلام است که اسلام در اوج قدرت بوده است. داعش همین دال خالی را به دال مرکزی گفتمان خود تبدیل کرده است. احلام نصر نیز با به تصویر کشیدن آن دوران در دیوان «أوار الحق» تلاش دارد تا به دال مرکزی خلافت اسلامی پویایی و نشاط ببخشد. به عنوان نمونه در قصیده «ملحمة النضال مقدم»، آرمان و مطلوب دولت داعش را بازگشت به دوران طلایی اسلام معرفی می‌کند و اینگونه می‌سراید:

هِيَ دَوْلَةٌ إِسْلَامٍ عَظْمَى قَدَسَمَقَتْ لِتُعَانِقَ نَجْمَا
وَتُعِيدُ بَطُولَاتِ الْمَاضِي لَا تَأَلُّوا فِي ذَلِكَ عَزْمَا
دَوْلَةٌ إِسْلَامِي قَدَرَدَعَتْ ذَلِكَ الْحَالِ، بِحَقِّ صَدَعَتْ
لِتُعِيدَ مَنَارَاتِ الْعَلِيَا كَيْ تَحْصِدَ مَا كَانَتْ زَرَعَتْ

(ترجمه) «این دولت عظیم اسلام است که سربرافراشته تا ستارگان را در آغوش بگیرد و دلاوری‌های گذشته را تکرار کند و از هیچ تلاشی در این راه کوتاهی نمی‌کند. دولت اسلام من این شرایط کنونی را نمی‌پذیرد و حق را آشکار می‌کند تا چراغ بزرگی‌ها را برگرداند و آنچه کاشته شده است را درو کند» (نصر، ۲۱۰۴: ۹۶).

وی در این اشعار از دوران حکومت خلفا و صدر اسلام با عنوان «منارات العلیا» و «بطولات الماضی» یاد می‌کند که بیانگر شرایط آرمانی و مطلوب است. همچنین در قصیده «هی الأحواز» به این فضای آرمانی و دال خالی اشاره کرده، می‌گوید:

فُرِحْتُ أَجُولُ فِي التَّارِيخِ فِي شَغْفٍ وَفِي بَشْرِ وَإِذْ أَمَجَادُ أُمَّتِنَا تَضُوعُ بِأَرْوَعِ الْعَطْرِ
هُنَا فَتْحٌ وَتَحْرِيرٌ هُنَا الرَّايَاتُ لِلنَّصْرِ هُنَا عِلْمٌ وَإِنْجَازٌ يُسَطِّرُ أَتْبَالَ الْفِكْرِ
وَلَكِنْ حِينَ وَلِينَا عَنِ الْإِسْلَامِ فِي كِبَرِ خَسِرْنَا كُلَّ مَا كُنَّا بِهِ نَمْتَازُ مِنْ دُرِّ

(ترجمه) «با اشتیاق و شادمانی، گشت‌زنی در تاریخ را آغاز کردم، آن هنگامی که ملت ما شگفت‌انگیزترین عطر را منتشر می‌کرد. آنجا فتوحات و آزادی است و آنجا پرچم‌های پیروزی است. آنجا دانش و موفقیت است که بهترین اندیشه‌ها را رقم می‌زند. ولی هنگامی که با تکبر از اسلام برگشتیم تمام آن مرواریدهایی که به آن ممتاز بودیم را از دست دادیم» (همان: ۷۸).

وی در این اشعار، علت مشکلات و خسارت‌های دنیای اسلام را دوری از دال مرکزی خلافت اسلامی برمی‌شمارد که در حکومت‌های معاصر یک امر غایب است و وضعیت مطلوب و آرمانی در حوزه‌های فتح، آزادی، علم و دستاوردها و... را بازگشت به شرایط عصر طلایی صدر اسلام و خلفا معرفی می‌کند. بدین ترتیب این دال، حول دال مرکزی خلافت مفصل بندی شده، آینده آن را درخشان توصیف می‌کند.

۶.۴. غیریت و ضدیت (تخاصم) در شعر احلام نصر

در برابر یک گفتمان، غیرهای متعددی وجود دارد و گروه داعش نیز به عنوان یک گروه تندرو و افراطی دشمن‌های زیادی را برای خود معرفی کرده است. غیریت‌سازی و تخاصم در اشعار احلام نصر، حول دو محور اصلی می‌چرخد: ۱- قرار دادن هر اندیشه‌ای و هر دینی در برابر اسلام ۲- قرار دادن هر نوع حکومتی چه پادشاهی و چه دموکراسی در برابر خلافت.

۶.۴.۱. غیریت‌سازی سایر ادیان و اندیشه‌ها در برابر اسلام

احلام نصر با استفاده از ابزاری به نام دین، پیروان سایر ادیان و عقاید حتی مسلمانان را به کفر متهم کرده، گفتمان داعش را برمبنای تخاصم با آن‌ها پایه‌گذاری می‌کند. داعشیان تنها عقاید خود را قبول دارند و دیگران را هرچند مسلمان باشند مرتد، مشرک و کافر می‌دانند؛ لذا شیعیان، ملی‌گراها، کمونیست‌ها، مسیحیان، یهود و غیره را در بیانیه‌ها تکفیر کرده‌اند. علت نام‌گذاری مجله رسمی ایشان به نام «دابق» نیز همین معنا را بازتاب می‌دهد. این نام برگرفته از منطقه‌ای در شمال حلب است که به اعتقاد آن‌ها یکی از بزرگترین جنگ‌های مسلمانان و مسیحیان در آنجا رخ خواهد داد (Dabiq, issues ۱: ۴). احلام نصر به منظور هویت‌یابی گفتمان داعش اقدام به غیریت‌سازی و تخاصم کرده، در قصیده «زلزلوا أرض الصلیب» ایرانی‌ها، مسیحیان و یهودیان را در برابر عقاید داعش قرار می‌دهد:

زَلْزَلُوا أَرْضَ الصَّلِيبِ	أَطْفِنُوا نَارَ الْمَجُوسِ
وَاصْرَعُوا كُلَّ الْخَطُوبِضِ	وَاقْطِفُوا تَلْكَ الرُّؤُوسِ
لَا تُبَالُوا بِالْأَعَادِي	لَا تَتَخَفُوا مِنْ يَهُودِ
مَنْ سِوَاكُمْ يَا أُسُودِ	يُرْجِعُ الْمَجْدَ السَّلِيْبَا
يَصْرَعُ الْكُفْرَ الْحَقُودَ	يَنْصُرُ الدِّينَ الْحَيِّيْبَا

(ترجمه) «سرزمین صلیب (مسیحیان) را به لرزه درآورید و آتش مجوس (ایرانی‌ها) را خاموش کنید. همه مصیبت‌ها را نابود کرده، این سرها را بچینید. به دشمنان اهمیت ندهید و از یهودیان نترسید. ای شیران، چه کسی جز شما کرامت از دست رفته را باز می‌گرداند؟ و کفرکینه توز را نابود کرده و دین محبوب را یاری می‌کند؟» (النصر، ۲۰۱۴: ۴۷).

همان‌گونه که در این اشعار مشخص می‌شود، عقاید داعش را که به زعم خودشان اسلام حقیقی است در برابر دین مسیحیت، مذهب شیعه و دین یهودی قرار می‌دهد و همه آنها را تکفیر می‌کند و خواهان جهاد برای کشتن آنها است. البته دامنه تکفیر ایشان به ایرانیان، یهودیان و مسیحیان محدود نمی‌شود بلکه مسلمانان اهل تسنن و سران دیگر کشورهای اسلامی را نیز تکفیر کرده‌اند. به عنوان مثال احلام نصر دولت تونس را به خاطر منع نقاب تکفیر می‌کند:

مَنَعَ النُّقَابِ أَبَاحَ كُفْرًا مُلْحَدًا فَالْحَالُ أَمْسَى مُؤَلِمًا مُتَكَدِّرًا

(ترجمه) «نقاب را منع کرد و کفری بد را مباح کرد و شرایط، بسیار دردناک و ملال آور شد؟» (همان: ۷۲).

در قصیده دیگری با عنوان «هذه سبیلی» به غیریت‌سازی دیگر عقاید در برابر اسلام پرداخته است و می‌گوید:

السَّعْدُ فِي شَرِّعِ الْإِلَهِ وَنَهْجِهِ وَسَوَاءٌ مُتَكَيُّ عَلَى سَاقِ الْكُفَّاحِ

لَا انْتَوَى عَنْهُ التَّحَوُّلُ بُرْهَةً هَيْهَاتَ يَعْلوُ الْكُفْرَ مَهْمَا الْكُفْرُ صَاحِ

(ترجمه) «سعادت در دین و آیین خداوند [اسلام] است و سایر ادیان بر ساق گیاه پوسیده تکیه زده‌اند. هیچگاه از آن بر نمی‌گرم. هیهات که کفر به برتری برسد، هر چند کفر فریاد بکشد» (همان: ۸۹).

گروه داعش، تکفیر را علاوه بر مباحث اعتقادی به همه شئون زندگی اجتماعی و مدنی تسری داده است و پیروی از اندیشه‌های نو، گرویدن به مکاتب فکری و فلسفی، عضویت در احزاب و غیره را از اعمال کافران به شمار می‌آورد. بنابراین تخصص فقط در قرارداد اسلام داعشی در برابر سایر ادیان نیست بلکه همه تفکرات و اندیشه‌های دیگر را نیز شامل می‌شود و از این طریق به دنبال هویت‌یابی گفتمان خود هستند که ابیات مذکور نیز بر این مطلب دلالت دارد.

۴. ۶. ۴. غیریت‌سازی سایر حکومت‌ها با خلافت اسلامی

غیریت‌سازی دیگر حکومت‌ها به ویژه حکومت بشار اسد در برابر خلافت اسلامی از دیگر مصادیق تخصص و غیریت‌سازی در گفتمان شعری داعش است. احلام نصر در قصیده‌ای با عنوان «إِنَّ الْمَلُوكَ إِذَا تَجَوَّرَ تَزُولُ» در این خصوص می‌گوید:

أَطِعِ اللَّهَ كَمَا يُرِيدُ فَإِنَّمَا الْمُلْكُ مُلْكُ اللَّهِ لَيْسَ يَحُولُ

إِنَّ الشُّعُوبَ تَرُومُ عَيْشَ كِرَامَةٍ مَعَ حَاكِمٍ عَنِ حَقِّهَا مَسْئُولُ

لَكِنَّ حُكَّامَ الْوَزَى بِاللَّاسَى كَانُوا فَسَادًا يَعْتَلِيهِ جَهْلُ

«بَشَارُ» إِذَا إِبْلِيسُ عَصَرَ قَاتِمِ تَبَّتْ يَدَاؤُهُ وَإِنَّهُ الْمَرْدُؤُ

(ترجمه) «همان‌گونه که خداوند می‌خواهد از او اطاعت کن. حکومت متعلق به خداوند است و تغییر نمی‌پذیرد. ملت‌ها خواهان زندگی کریمانه هستند همراه با حاکمی «ابوبکر بغدادی» که مسئول حق آنها است. ولی متأسفانه حاکمان مردم،

فاسد هستند و نادانی بر ایشان چیره شده است. دستان بشار اسد، این ابلیس عصر تاریک بریده باد و او انسان ردلی است» (همان: ۳۳-۳۱).

مقصود وی از «ملک الله» در این اشعار، همان خلافت اسلامی در گفتمان داعش است که تمامی حاکمان دنیا را در برابر آن غیریت سازی کرده است؛ چرا که به زعم وی فاسد و نادان هستند. وی با تأثیر از اندیشه‌های داعشیان که جنگ با دشمن نزدیک را اولی بر جنگ با دشمن دور می‌شمارند، بشار اسد و حکومت آن را به عنوان مهم‌ترین و نزدیک‌ترین مصداق این نوع حکومت‌ها در برابر خلافت اسلامی غیریت سازی کرده است و از وی به عنوان ابلیس زمانی که همه جای آن را تاریکی فراگرفته است یاد می‌کند. وی در قصیده دیگری نیز با عنوان «وخائن من دماء الشعب قدسفاکا» حکومت بشار اسد و پدرش را در برابر خلافت اسلامی غیریت‌سازی کرده، آن را به عنوان دشمن مردم و ستم‌گر معرفی می‌کند:

وَجَاءَ مِنْ بَعْدُ بَشَارٌ بِغَطْرَسَةٍ	لِيَحْكُمَ النَّاسَ فِي غَضَبٍ بِهِ امْتَلَكَا
مُشَابَهًا «حَافِظًا» فِي ظُلْمِهِ أَبَدًا	وَمَنْ يُشَابِهَ أَبَا يَاصِحَ مَا انْتَهَكَا
إِرْحَلْ بِلَاغُودَةٍ لِلْأَرْضِ مِنْ غَدِنَا	فَلَا الرِّئَاسَةَ وَالتِّيَّجَانَ تَمْسُكَا

(ترجمه) «پس از آن، بشار اسد با درنده‌خویی آمد تا غاصبانه بر مردم حکومت کند و پادشاه شود. او در ظلم شبیه حافظ اسد است. ای دوست، هرکس شبیه پدر باشد غارت می‌کند. از آینده ما برو بی‌آنکه به سرزمین بازگردد، نه ریاست و نه تاج تو را محافظت نمی‌کند» (همان: ۲۵-۲۴).

احلام نصر در این اشعار نیز حکومت بشار اسد و حافظ اسد را به عنوان دشمن نزدیک در برابر خلافت اسلامی غیریت سازی کرده است و نوع حکومت آن‌ها را غاصبانه و ظالمانه توصیف می‌کند. بدین ترتیب سبک حکومت ریاست جمهوری و پادشاهی را در برابر خلافت اسلامی قرار داده، معتقد است این شیوه حکومت در آینده کشور که همان خلافت اسلامی است، جایی ندارد.

۷. ۴. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در شعر احلام نصر

در گفتمان شعری داعش، دال مرکزی تشکیل خلافت اسلامی و وقته‌های آن شامل جهاد، هجرت، اسلام، و غیره برجسته‌سازی شده، در مقابل آن مفاهیم گفتمان‌های رقیب به حاشیه رانده و از اهمیت آن‌ها کاسته شده است. از جمله مواردی که در گفتمان شعری داعش به حاشیه رانده شده است می‌توان موارد زیر را نام برد:

۷. ۴. ۱. حاشیه‌رانی مفهوم قومیت‌گرایی و نژادپرستی

احلام نصر به منظور تحقق گسترش خلافت اسلامی و پذیرش آن از سوی دیگر اقوام و ملل به حاشیه‌رانی مفهوم قومیت، نژاد و زبان به عنوان نماد حس ناسیونالیستی پرداخته، در قصیده «بلاد الحق أوطانی» چنین می‌سراید:

ولائي وفق إيماني وتوجهات قرآن

وَلَيْسَ تَعْصِي يَوْمًا لِقِحطَانَ وَعَدَنَانَ
 أَخِي فِي الْهِنْدِ أَنْتَ أَخِي كَذَا فِي أَرْضِ بَلْقَانَ
 فَلَا عِرْقُ يُفْرَقُنَا إِلَى لُغَةِ وَالْوَانَ
 كِتَابُ اللَّهِ يَجْمَعُنَا عَلَى التَّقْوَى بِإِيْمَانٍ

(ترجمه) «محبت من بر اساس ایمان و ارشادات قرآن است. تعصب من هیچ‌گاه برای قحطان و عدنان نیست. برادرم در هند، همچنین کسی که در بالکان است تو برادرم هستی. نژاد، زبان و رنگ ما را جدا نمی‌کند. کتاب خداوند بر اساس تقوا و به‌وسیله ایمان ما را گرد هم جمع می‌کند» (همان: ۴۳).

در این اشعار، مفاهیم گفتمان داعش از جمله شریعت و خلافت اسلامی برجسته شده و گرایش‌های قومی، نژادی و زبانی و غیره به حاشیه‌رانده شده است؛ بدین ترتیب احلام نصر هم زمینه گسترش جغرافیایی خلافت اسلامی را فراهم کرده و هم افراد دیگر سرزمین‌ها را برای هجرت به منطقه تحت سیطره داعش ترغیب می‌کند؛ لذا اهمیت قومیت عربی، هندی و غیره را نفی می‌کند و نقطه تلاقی همه افراد را ایمان، تقوا و دین اسلام راستین به زعم داعش معرفی می‌کند. وی در قصیده «وهذي الخلافة سوف تعود» نیز به این مسئله پرداخته است و می‌گوید:

سِوَاءَ لَدَيْهِ: ذُكُورٌ إِنَاثٌ وَعِرْقٌ وَلَوْنٌ قَرِيبٌ بَعِيدٌ
 فَلَا فَرْقَ إِلَّا بِتَقْوَى وَعَدْلٍ وَمَرْضَاةِ رَبِّي الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ

(ترجمه) «در نزد وی مرد، زن، نژاد، رنگ، خویشاوند و غریب برابر است و هیچ تفاوتی نیست مگر بر اساس تقوی، عدل و رضایت پروردگار دانا و گرانقدرم» (همان: ۴۴).

در این اشعار نیز جنسیت، نژاد، خویشاوندی را به حاشیه می‌راند و از نظر وی هیچ‌یک دلیل فضل و برتری در نزد خلیفه مسلمانان نیست و اگر هم تفاوتی باشد به‌واسطه تقوا، عدل و رضایت پروردگار است. وی در مقابل این مفاهیم به حاشیه رانده شده، مفهوم شریعت را برجسته کرده است. با قرار گرفتن این مفاهیم در مقابل یکدیگر ارتباط این مسئله با غیریت سازی و تخاصم آشکار می‌شود.

۴. ۷. ۲. حاشیه‌رانی مفهوم امنیت در گفتمان حکومت بشار اسد

گروه داعش یکی از مفاهیم گفتمان حکومت سوریه که امنیت و ثبات است را به حاشیه می‌راند و آن را امنیت واقعی نمی‌داند. این مسئله در گفتمان شعری آن‌ها در دیوان «أوار الحق» نیز تکرار شده است. احلام نصر در قصیده‌ای با عنوان «وخائن من دماء الشعب سفكا» چنین می‌سراید:

أَشَارَ لِلْأَمْنِ كَيْ يَطْعُوا بِمَوْطِنِنَا يَا أَمْنِ أَرْضِي أَوْ أَنْ الْحَرْبِ لَمْ نَرَكَا
 وَالْآنَ صَارَ سِلَاحَ الْأَمْنِ مَوْجُودًا؟ فَلَيْتَ شِعْرِي أَلْأَجْرَامَ سَيَّرَكَا؟

مَنْ ذَا يُصَدِّقُ أَنَّ الْأَمْنَ حَارَبَنَا وَنَحْنُ شَعْبٌ مَصْنَى سِلْمًا وَمَا شَبَّكَآ؟

(ترجمه) «[بشار اسد] به امنیت اشاره کرد تا در سرزمین ما طغیان کند. ای مدعی امنیت کشورم، به هنگام جنگ تو را ندیدیم. آیا اکنون سلاح امنیت موجود است؟! ای کاش می دانستم آیا تو را به جنایت سوق داده است؟ چه کسی باور می کند که امنیت با ما بجنگد و ما مردمی صلح جو هستیم و مبارزه نمی کنیم؟!» (همان: ۲۵).

وی در این شعر، تحقق مفهوم امنیت در سایه حکومت بشار اسد را تکذیب می کند و اقدامات او را در راستای جنگ-افروزی و ظلم معرفی می داند. از طرفی دیگر مفهوم جهاد را در برابر مفهوم امنیت، برجسته سازی می کند. وی با طرح سؤال در مصرع پایانی تأکید می کند که آن‌ها مردمانی اهل جهاد و مبارزه هستند.

۸. ۴. اسطوره سازی و وجه استعاری در شعر احلام نصر

استعاری سازی در فضای گفتمان داعش با الهام گرفتن از شخصیت‌ها و وقایع تاریخی و دینی رخ می دهد که نشانه‌ای از سلفی گری این گروه است. به عنوان نمونه در مجله «دابق» برای استعاری سازی فضای موجود از استعاره سیل در زمان حضرت «نوح(ع)» استفاده شده است و بیان می کند که انسان‌ها یا باید در دنیا همراه کفار بمانند و در دریای جهل و کفر غرق شوند و یا با داعش همراهی کنند و نجات یابند (Dabiq, issues ۲, ۵). درحقیقت اصل جریان داعش نیز نوعی استعاری سازی و ایجاد فضای استعاری در دنیای مدرن است. از جمله استعاری سازی‌هایی که در دیوان «أوار الحق» رخ داده است می توان موارد زیر را نام برد:

۸. ۴. ۱. حضرت «ابراهیم(ع)»

احلام نصر دنیای معاصر را سرشار از کفر و جهل نشان می دهد و «ابوبکر بغدادی» را به عنوان ابراهیم زمان معرفی می کند که بت‌های کفر و شرک را ویران می کند. در قصیده‌ای با عنوان «بایعُتُ مَنْ بِالذِّينِ كَانِ الصَّادِعَا» این گونه می سراید:

فَإِثْبَتِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّمَا تَرْجُو الْإِلَهَ وَلَا تُرِيدُ مَطَامِعَا
كُنْ مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ غَلَبَ الْوَرَى فِي مِلَّةٍ بَيِّضَاءَ تَرْدِي مَانِعَا

(ترجمه): «ای امیرالمومنین، ثابت قدم باش، به خداوند امید داری و به دنبال طمع نیستی. مانند حضرت ابراهیم(ع) باش که بر مردم غالب شد با دینی درخشان که مانع را نابود می کند» (النصر، ۲۰۱۴: ۱۰۴).

گروه داعش با مشکلات زیادی مواجه است. یکی از این مشکلات، مقاومت ارتش‌ها و مردم در برابر آن‌ها است. احلام نصر در این اشعار به کثرت دشمنان داعش با لفظ «الوری» و مشکلات موجود با لفظ «مانعا» اشاره می کند و با این استعاری سازی بیان می کند، همان گونه که حضرت «ابراهیم(ع)» بر دشمنان فراوان کافر و قوی فائق آمد، خلیفه نیز با دین اسلام بر این مشکلات پیروز خواهد شد. در قصیده دیگری با عنوان «وعد الإله محتمم و محقق» بار دیگر «ابوبکر بغدادی» را ابراهیم زمان معرفی می کند که قیام کرده است؛ لذا این گونه می سراید:

عَهْدٌ جَدِيدٌ لَنْ يُهَانَ بِهِ الْوَرَى وَالْكَفْرُ دَوْمًا هَالِكٌ لَا يَنْطِقُ
قَدَامَ إِبْرَاهِيمَ حَطَمَ قَيْدَنَا فَهَرَّ الضَّلَالُ بِسَيْفِ حَقٍّ يَمْحُو

ترجمه: دوران جدیدی که مردم در آن هرگز خوار نمی‌شوند در حالی که کفر، همیشه فانی است و حرف نمی‌زند. ابراهیم(ع) قیام کرد و زنجیر ما را شکست [ما را از اسارت کفر و شرک آزاد کرد]. به وسیله شمشیر مهلک حقیقت بر گمراهی غلبه کرد. (همان: ۱۲۸)

الفاظ «قید» و «الضلال» بیانگر مشکلات و بحران‌هایی است که به زعم داعش، دنیا با آنها مواجه است. احلام نصر با استعاره‌سازی آینده‌ای درخشان همراه با پیروزی را برای خلافت داعش ترسیم می‌کند، همان‌گونه که حضرت «ابراهیم(ع)» نیز در نهایت بر موانع و مشکلات زمان خودش فائق آمد. از طرفی دیگر باور دارد گرچه عدّه داعشیان از کشورهای کافر، کمتر است ولی شرایط برای حضرت «ابراهیم(ع)» نیز این‌گونه بود و در نهایت پیروز شد. احلام نصر در موارد دیگری نیز با الهام گرفتن از اشخاص و وقایع تاریخی و دینی به استعاره‌سازی گفتمان داعش می‌پردازد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴. ۸. ۲. صحابه

از جمله موارد استعاره‌سازی در اشعار احلام نصر، الهام گرفتن از شخصیت صحابه است. وی صحابه را به عنوان الگو برای مبارزان داعشی معرفی می‌کند و در قصیده‌ای با عنوان «فی أرض مصر تحركت آسادنا» این‌گونه می‌سراید:

فَلتَخَسِرُ الْأَشْرَارُ إِنْ جِهَادَهُمْ قَدْ شَرَدَمَ الْجَمْعَ الْأَيْمِمَ تَفَرُّقًا
أَحْفَادُ عَمْرٍو وَالصَّحَابَةُ وَالْأُلَى سَطَرُوا الْبُطُولَةَ وَالْمَكَارِمَ مَوْتَمًا

(ترجمه) «اشرار باید خفه و نابود شوند؛ چرا که جهاد مصریان جمع گناهکار را متفرق کرده است. ایشان نوه‌های عمرو بن عاص، صحابه و افرادی هستند که قهرمانی و کرامت‌ها را با استواری رقم زده‌اند» (همان: ۱۰۸).

از دیگر مشکلات گروه داعش، متقاعد کردن مردم دیگر کشورها برای اقدام علیه حکومت مرکزی خودشان است؛ از این روی احلام نصر با استعاره‌سازی، مصریان را علیه حکومتشان می‌شوراند و از ایشان می‌خواهد همان‌گونه که عمرو عاص و برخی صحابه به عنوان نماینده خلیفه، حاکم مصر بودند مصریان نیز به عنوان نماینده خلیفه داعش دست به قیام بزنند و مصر را به خلافت اسلامی ملحق کنند. وی در قصیده دیگری با عنوان «قدغدت أختي السجينة» مبارزان داعش را نوه صحابه خوانده، ایشان را به جهاد دعوت می‌کند:

أَيْنَكُمُ فُرْسَانٌ قَوْمِي؟ كَيْ تَهْبُوا بِاصْطِفَافِ
أَيْنَ أَحْفَادُ الصَّحَابَةِ؟ كَمْ تُنَادِي ذِي الْفِيَا فِي

(ترجمه) «ای شجاعان قوم من، کجایید که با لشگرکشی برخیزید؟ کجایند نوه‌های صحابه؟ چه بسیار این بیابان‌ها، [این مطلب را] فریاد می‌زند» (همان: ۳۷).

احلام نصر با استعاری‌سازی، مردم کشورهای اسلامی را ترغیب می‌کند همان‌گونه که صحابه برای یاری پیامبر (ص) هجرت کردند، ایشان نیز از کشورهای خود به سمت خلافت داعش هجرت کنند و به وسیله جهاد بر مشکلات فعلی غلبه کنند.

۴. ۸. ۳. نبرد «قادسیه»

از جمله موارد استعاری‌سازی در گفتمان شعری داعش با الهام گرفتن از نبرد «قادسیه» رخ داده است که در آن مسلمانان بر ایرانیان پیروز شدند. یکی از بحران‌های گروه داعش، مقاومت شیعیان به ویژه ایرانیان در برابر آن‌ها و شکست‌های فراوانی است که بر گروه داعش تحمیل کرده‌اند؛ لذا احلام نصر با استعاری‌سازی تلاش دارد تا آینده این مبارزه را درخشان جلوه دهد و در قصیده‌ای با عنوان «هی الأحواز» چنین می‌سراید:

إِذْ كُنْتُمْ بَنِي كَسْرَى وَقُورُشَ صَاحِبِ الْكَسْرِ
فِيْنَا يَا شَيْطَانُ بَنُو الْفَارُوقِ مَعَ عَمْرٍو
وَصِدِّيقٍ وَسَلْمَانَ وَصَحْبَةَ أَحْمَدَ الْغُرِّ
وَفَاطِمَةَ وَعَائِشَةَ، عَلِيٍّ، خَالِدِ صَخْرٍ
أَيَا فُرْسٍ وَلَا تَنْسُوا مَعَارِكَنَا مَعَ الشَّرِّ
كَذَاكَ الْقَادِيسِيَّةَ فَادْكُرُواهَا طَيْلَةَ الْعُمْرِ

(ترجمه) «اگر شما فرزندان خسرو و کوروش شکست خورده هستید؛ پس ای شیاطین، همانا ما فرزندان عمر فاروق، عمرو بن عاص، ابوبکر صدیق، سلمان، صحابه پیامبر گرانقدر (ص)، فاطمه (س)، عائشه، علی (ع)، خالد بن ولید و صخر هستیم. ای قوم پارس، جنگ‌های ما با شر را فراموش مکنید. همچنین نبرد «قادسیه» را در طول زندگی یاد کنید» (همان: ۷۹).

وی در این اشعار، با تداعی نبرد «قادسیه» و شکست ایرانیان از مسلمانان، تصویری درخشان و امیدوارکننده از آینده نبرد با ایرانیان نشان می‌دهد و از طرفی دیگر با استفاده از الفاظ «کسری»، «کوروش» و برخی از صحابه، ایرانیان را نه شیعه بلکه به‌عنوان غیر مسلمان معرفی می‌کند و خود را مسلمان و پیرو واقعی صحابه از جمله حضرت «فاطمه (س)» و حضرت «علی (ع)» می‌داند. در این اشعار علاوه بر استعاری‌سازی، مفهوم غیریت‌سازی نیز وجود دارد ولی به‌هرحال می‌توان این ابیات را به‌عنوان شاهد مثال استعاری‌سازی نیز تحلیل کرد.

نتیجه

تحلیل گفتمان انتقادی اشعار احلام نصر بر اساس نظریه «لاکلا و موفه» بیانگر آن است که مفاهیم و عناصری مشابه گفتمان داعش در دیگر زمینه‌ها از جمله بیانیه‌ها و مجلات دارد؛ لذا این اشعار بازگو کننده فضای گفتمانی خاص داعش است و با تحلیل این اشعار می‌توان عقاید آن‌ها را شناخت و در عرصه مقابله فرهنگی و تبلیغاتی علیه این گروه تکفیری از مفاهیم آن بهره برد.

مفاهیم این اشعار بر اساس نظریه «لاکلا و موفه» نشان دهنده یک گفتمان است که مبنای کنش‌ورزی داعش در عرصه واقعیت است. دال مرکزی و محور اصلی گفتمان شعری داعش، تشکیل خلافت اسلامی است و جهاد و هجرت به عنوان راهکارهای دینی تحقق این دال، حول آن مفصل‌بندی شده و به عنوان وقته به ثبات نسبی معنایی رسیده است. البته از آن-جایی که رابطه دال و مدلول در گفتمان اختیاری است، احلام نصر با زبان شعر به اعمال خشونت‌بار و بی‌رحمانه داعش در اجتماع، مدلول جهاد می‌بخشد و از وقته هجرت نیز به دنبال یارگیری و جذب جوانان دیگر کشورها برای مشارکت در جهاد است. در گفتمان شعری داعش مفهوم تهاجم به سایر کشورها نیز در سایه گسترش مرزهای خلافت اسلامی توجیه و ضروری برشمرده می‌شود. همچنین دال مرکزی خلافت زمینه‌ساز اجرای شریعت اسلامی به عنوان وقته پر تکرار این گفتمان است. بدین ترتیب رابطه وقته‌های مذکور و نحوه مفصل‌بندی آن‌ها حول دال مرکزی گفتمان شعری داعش مشخص می‌شود.

احلام نصر به منظور افزایش مشروعیت خلافت اسلامی به دال شناور خلفای دوازده‌گانه قریشی، مدلول خلفای داعش را می‌دهد و «ابوبکر بغدادی» را یکی از مصادیق آن می‌داند و با مدلول ائمه دوازده‌گانه در اعتقاد شیعه مقابله می‌کند. از طرفی دیگر فقدان دال بازگشت به عصر طلایی صدر اسلام و خلفا در سایر گفتمان‌های موجود در دنیا زمینه‌ساز طرح و تقویت دال مرکزی تشکیل خلافت اسلامی در گفتمان شعری داعش است که آن را به عنوان راه نجات و شرایط ایده‌آل معرفی می‌کند که با محقق شدنش، مشکلات کنونی دنیا از بین می‌رود.

احلام نصر با غیریت‌سازی و تخاصم، مرز میان گفتمان داعش و دیگر گفتمان‌های موجود در دنیا را مشخص و دشمنان داعش را در عرصه واقعیت اجتماعی معرفی می‌کند. در اشعار وی غیریت‌سازی سایر ادیان و عقاید در مقابل اسلام و همه شیوه‌های حکومت در برابر خلافت اسلامی دو محور اصلی است که به گفتمان داعش هویت می‌بخشد.

وی در راستای برجسته‌سازی و غیریت‌سازی و تثبیت نظام معنایی و هویت گفتمان داعش، خلافت و وقته‌های هجرت، جهاد و غیره را برجسته می‌کند و مهم جلوه می‌دهد و مفاهیم دیگر گفتمان‌ها از جمله امنیت در حکومت بشار اسد، قومیت و نژاد را به حاشیه می‌راند و کم اهمیت برمی‌شمارد؛ بنابراین اگرچه گروه داعش در عرصه نبرد و جنبه سخت‌افزاری به دنبال حذف دشمنان از طریق اعدام، ترور و غیره است ولی در گفتمان شعری با شیوه نرم‌افزاری و تبلیغاتی به حذف مفاهیم آن‌ها اقدام می‌کند. احلام نصر با الهام گرفتن از اشخاص و وقایع تاریخی و دینی از جمله تشبیه «ابوبکر بغدادی» به حضرت «ابراهیم» (ع) و عناصر داعشی به صحابه پیامبر (ص) و یادآوری نبرد «قادسیه»، گفتمان داعش را استعاری می‌کند و از آن-جایی که در این موارد پیروزی متعلق به مومنان بوده است؛ لذا با این استعاری‌سازی خلافت اسلامی و اجرای شریعت را راه برون‌رفت از مشکلات معرفی می‌کند و آینده خلافت اسلامی را درخشان و پیروز جلوه می‌دهد.

کتابنامه

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
۲. بهرام پور، شعبان‌علی. (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان. تهران: فرهنگ گفتمان.

۳. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۴. حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۲۸. صص ۱۸۱-۲۱۰.
۵. حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
۶. سوسور، فردیناندو. (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
۷. شرشار، عبدالقادر. (۲۰۰۶). *تحلیل الخطاب الأدبی وقضايا النص*، الطبعة الأولى. وهران: دار الأديب.
۸. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. منتظری، حسین. (۱۳۸۵). *خوارج در ایران*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. النصر، أحلام. (۲۰۱۴). *دیوان أوار الحق*. تقدیم أبو مالک شیبیه الحمد ومعاویة القحطانی. سوریه: فرسان البلاغ للإعلام.
۱۱. یورغنسن، ماریان و فیلیبس، لویز. (۲۰۱۹). *تحلیل الخطاب: النظرية و المنهج*. ترجمه شوقی بوغانی. الطبعة الأولى. المنامة: هیئة التحریرية للثقافة و الآثار.
۱۲. زارع، ناصر و رسول بلاوی و زهرا هاشمی تزنگی. (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان رمان الحرب فی برّ مصر اثر یوسف القعید(بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف)». مجله زبان و ادبیات عربی. دانشگاه فردوسی مشهد. سال دوازدهم. شماره ۱. شماره پیاپی ۲۲. صص ۱۶۰-۱۴۷.
۱۳. سلطانی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». نشریه علوم سیاسی. دوره ۷. شماره ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.
۱۴. صفایی سنگسری، علی و فاتح احمدپناه. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان روایی در کلیله و دمنه عربی (مطالعه موردی باب الناسک و الضیف)». مجله زبان و ادبیات عربی. دانشگاه فردوسی مشهد. سال یازدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۰، صص ۱۲۰-۸۹.
۱۵. علیپوریان، طهماسب و احد نوری اصل. (۱۳۹۳). «تحول یا تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی نژاد و روحانی». مجله مطالعات سیاسی. دوره ۷. شماره ۲۵. صص ۷۹-۱۰۷.
۱۶. کسرابی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی. (۱۳۸۳). «نظریه تحلیل گفتمان ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». فصلنامه سیاست. دوره ۲۹. شماره ۳. صص ۳۶۰-۳۳۹.
۱۷. مقدمی، محمدتقی. (بهار ۱۳۹۰ش). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن». مجله معرفت فرهنگی اجتماعی. سال دوم. شماره ۲. ۹۱-۱۲۴.
۱۸. هادیان، مرتضی و منصوره ثابت‌زاده و حسین ابوالحسن تنهایی. (۱۳۹۷). «گفتمان «شعوبی در آراء ناصر خسرو قبادیانی بر اساس الگوی تحلیل گفتمانی لاکلا و موف»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی. دوره ۱۰. شماره ۴۰. صص ۲۲۲-۱۹۳.

۱۹. Dabiq magazines:

isis-isil-islamic-state-magazine-Issue-۱-the-return-of-khilafah.

isis-isil-islamic-state-magazine-Issue-۲-the-flood

isis-isil-islamic-state-magazine-Issue-۳-the-call-to-hijrah.

Issue ۱۱ - From the battle of Al-Ahzab to the war of coalitions.

۲۰. Laclau, Ernesto. (۱۹۹۴). *The Making of Political Identities*. London: Verso.

۲۱. Wodak, Ruth & Mayer, Michael. (۲۰۰۱). *Methodes of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publication.

۲۲. پایگاه اطلاع رسانی امیر، (۲۵ اسفند ۱۳۹۷ش)، «عقائد داعش چیست؟». <http://al-amir.ir>.

۲۳. حمزه، مصطفی، (۲۹ مارس ۲۰۱۸). «أحلام النصر، شاعرة «داعش» شعارها الإرهاب هو الحياة».

<https://www.almarjie-paris.com>.

۲۴. Easton, Nina. (۵ May ۲۰۱۵). "How ISIS is recruiting women—and turning them into brutal enforcers". <http://fortune.com>.

۲۵. Haykel, Bernard & Creswell, Robyn. (۲۹ August ۲۰۱۹). "Battle Lines". <http://www.newyorker.com>.